

## کلان شهرها، مهاجرت ناحیه ای، انگیزه ها و پیامدها

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۰۹/۳۰

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۰۸/۰۵

بیژن رحمانی\* (دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه شهید بهشتی)  
ریحانه سلطانی مقدس (استادیار دانشگاه پیام نور قوچان)

### چکیده:

کلان شهرها کارکردهای متفاوتی را برای محدوده های روستایی دور و نزدیک خود شکل می دهند. یکی از مهم ترین آن ها، کارکرد تدارکاتی - خدماتی است که با توجه به کمبود امکانات و خدمات در نواحی روستایی مطرح است و منجر به وابستگی نواحی روستایی به شهرها شده است. بطوری که به جریان های دایمی مهاجرت بین روستاها و کلان شهرها منجر شده است. در این میان، کلان شهرها دارای جایگاه با اهمیتی در این جریان ها به واسطه دامنه عملکردی و گستردگی بخش های اقتصادی هستند. علاوه بر نقش تدارکاتی، نقش تصمیم سازی و انباشت سرمایه و فرصت های شغلی از عواملی است که باعث ایجاد مهاجرت ها می شود. این پژوهش تلاش دارد به جایگاه کلان شهرها در تشدید روند مهاجرت بپردازد و به بازتاب های تحولات جمعیتی و فضایی - مکانی جابجایی های جمعیتی هم اشاراتی داشته باشد. از سویی بر این نکته نیز تاکید دارد که چگونه تحول در حجم جمعیت و ساختارهای دموگرافیک شهری زمینه ساز ناهماهنگی در برنامه ریزی های شهری و مختل شدن سازمان های شهری در ابعاد متفاوت می شود.

این پژوهش به «مورد مطالعه» خاصی اشاره ندارد. هدف این بوده است که خواننده خود تصمیم به تعمیم دادن مسایل آن بگیرد و به یک نتیجه برسد. در واقع تطبیق دادن نکات، با آنچه که در کلان شهرها می بیند بر عهده خواننده قرار گیرد.

### واژه های کلیدی:

کلان شهر - مهاجرت ناحیه ای - انگیزه ها - پیامدها

\* نویسنده رابط: bijan.rahmani11@gmail.com

**مقدمه :**

یکی از چالش‌هایی که در کلان شهرها به چشم می خورد، تراکم جمعیت و پدیده‌ی مهاجرت‌های روستایی - شهری است. غالب مشکلات مرتبط با کمبود امکانات در این کانون ها به واسطه‌ی مهاجرت های گسترده روستایی شکل می گیرد و مشکلات نواحی پیرامونی در قالب فزونی جمعیت و چالش های اجتماعی و زیست محیطی در این مراکز جلوه گر می شود. در این راستا بررسی نقش کلان شهرها در ایجاد مهاجرت ها به علت تمرکز و جذب جمعیت و گسترش فضایی آن ها حایز اهمیت است. در این ارتباط، عوامل مختلفی از قبیل: عوامل اقتصادی و زیرساختی مطرح می گردد که با عنایت به تأکید رویکردهای نظری بر تأثیر گذاری متغیرهای اقتصادی بر سیستم ناحیه به صورتی که هم شهر و هم روستا متأثر می گردد، باید مورد توجه قرار گیرد. کلان شهرها که در درون خود نارسایی های خدماتی را به همراه دارند، در واقع آمادگی اولیه هم برای پذیرش بار نواحی پیرامون دور و نزدیک را ندارد. شاید بتوان گفت یکی از علل ناموفق بودن برنامه ریزی های شهری در ایران و در برخی از کلان شهرها، جریان مستمر تغییرات فیزیکی و جمعیتی آن ها است و به این ترتیب برنامه ریز در واقع نمی داند با چه پدیده ای سر و کار دارد و برای چه عنصری قصد برنامه ریزی.

**رویکردهای تحقیق و زمینه های نظری:**

شیوه پژوهش براساس رویکردهای نظری در مورد دیدگاه های کارکردهای شهری و پیوندهای آن ها با نواحی روستایی است. برای نمونه، نظریه راندینلی بر همبستگی متقابل نواحی روستایی و شهری تأکید دارد. بدین صورت، کارکردها و نقش های بسیاری توسط شهرها در بسیاری از نواحی روستایی ایفاء می گردد که نتیجه وابستگی های متقابل است که بین شهرها و روستاها مشهود است. در این راستا، روابط روستایی و شهری باید به عنوان نیاز متقابل تقویت گردد. در این نظریه برای هر نقش یک شهر، یک نقش متقابل برای حومه پیرامونیش در نظر گرفته شده است.

شهرها در نواحی روستایی به عنوان (مراکز بازاری سطوح بالا) برای محصولات روستایی و کشاورزی به منظور (خرید و فروش و توزیع ناحیه‌ای و فرا ناحیه‌ای) عمل می نمایند. کارکردهای بازاری مبتنی بر شهر بدون سطوح مشخصی از مازاد قابل فروش محصولات نواحی روستایی نمی تواند وجود داشته باشد. بنابراین شهر و ناحیه پیرامونیش به صورت متقابل با

یکدیگر وابسته هستند. گسترش تولید در میان تولیدکنندگان [خرد] روستایی نیازمند (شبکه‌های بازاریابی) است که توسط «شهرهای کوچک» و سیستم شهری فراهم شده است. بدون گسترش کشاورزی و فعالیت های فرآوری مبتنی بر کشاورزی، (شهرهای روستایی) نمی‌توانند فعالیت کنند. در مقابل گسترش کشاورزی تجاری در روستاها نیازمند مغازه‌هایی در شهرها است که منابع تخصصی مورد نیاز و وسایل تعمیرگاهی را فراهم نمایند که یک روستای مجزا بدون آن نمی‌تواند پایدار بماند (Douglass, 1998, P.10).

### روندهای مهاجرتی در جهان :

جان فریدمن و مایکل داگلاس، مطالعات گسترده‌ای را در باب جریان های جمعیتی میان شهر و روستا انجام داده‌اند. این مطالعات با تأکید بر کشورهای آسیای شرقی صورت گرفته است. به صورتی که بررسی ویژگی های جریان ها و روندها بر مبنای جمعیت انجام شده است. بر این اساس او در ارتباط با روند جمعیت و شهرنشینی ذکر کرده است:

« دو برابر شدن جمعیت شهری در آسیای شرقی در دوره‌ای کمتر از ۲۰ سال معیاری برای توسعه شهرنشینی بی‌رویه است. در همه کشورهای مورد بررسی رشد جمعیت شهری به صورت مضاعف بوده، به طوری که نرخ رشد جمعیت شهری در همه کشورها از نرخ رشد کل جمعیت بیش تر بوده که این امر نشانه مهاجرت وسیع از روستا به شهر است. بیش تر جمعیت کشور در پایان دهه ۶۰ هنوز روستایی بودند.

بین دهه‌های ۱۹۶۰ و ۷۰، قسمت اعظم جمعیت افزایش یافته که به ناچار باید در نواحی روستایی جذب می‌شد، به شهر مهاجرت کردند. به طوری که در سال ۱۹۷۰ چهار شهر بزرگ کشور بین یک سوم تا دو سوم کل جمعیت شهری را در خود جای داده بود. به علاوه گرایش محسوسی نشان می‌داد که شهرهای بزرگ سریع تر رشد می‌کنند و گرایش به زندگی شهری نسبت به دهه قبل افزایش می‌یابد.» (فریدمن، ۱۳۶۳، صص ۲۱-۲۰)

روند جریان های جمعیتی در بیش تر نواحی جهان گسترش داشته است. به طوری که در آسیای جنوبی این روند باعث گسترش دامنه مهاجرت به شهر گردیده است. در این راستا، فلدمن ارتباط با این جریان ها ذکر کرده است:

« قبل از دهه ۱۹۷۰، مهاجران شهری فصلی قسمت قابل توجهی از جمعیت آسیای جنوبی را تشکیل می‌دادند، آن ها کم تر از ۲۰ درصد کل جمعیت هر کدام از کشورها بودند و بیش تر شامل مردان بوده است. مهاجران در مشاغل شهری غیر کشاورزی به فعالیت مشغول

شده اند. امروزه افزایش چشم گیر مهاجران دائمی با افزایش میزان رشد جمعیت شهری همراه گردیده است. با تحلیل خانوارهای مهاجر در بنگلادش مشخص گردید که بیش از نیمی از جمعیت شهری داکا از مهاجرین حوزه روستایی تشکیل یافته است.

در مقایسه‌ی چهار دوره زمانی قبل از ۱۹۷۰ مهاجران شهری امروز بسیار پراکنده‌اند و در حوزه‌ی فعالیت های شهری، شبکه‌های اجتماعی و اشکال سازمانی شهری گسترده‌ای نسبت به مهاجران قدیمی مشغول به فعالیت هستند. بسیاری از آن‌ها با ساکنان جدید شهری در ارتباط هستند و منابع کافی برای اینکه آن‌ها را قادر سازد، ریسک های مهاجرت را بپذیرند، در اختیار دارند.

این تحولات در الگوهای مهاجرتی، روش های جدیدی برای تئوریزه نمودن حرکت جمعیت و ادراک مطالعات تجربی که ما را قادر به تبیین علت حرکات مردم، گزینه‌های مهاجران درباره اشتغال، مسکن و جامعه، فرآیندهایی که روابط اجتماعی شهری و روستایی و روش هایی که این مکان ها و اشکال فضایی جامعه که زندگانی و معیشت را شکل می‌دهد، ارائه می‌کند (Feldman, 1999, pp: 1-2).

### نقش کلان شهرها در شکل گیری مهاجرت

کانون های شهری با توجه به تمرکز و انباشت سرمایه چه به صورت ناحیه‌ای و دولتی نقش ویژه‌ای در جریان سرمایه به نواحی روستایی دارند.

«در این روند شهرها به عنوان مراکز سیاست گذاری و تصمیم‌گیری و مجری برنامه‌های توسعه‌ی روستایی و عامل توزیع درآمدهای رو به افزایش حاصل از صادرات نفت در حوزه‌های پیرامون خود، اثرات بی شماری برجای گذاشته، از جمله موجب اشاعه‌ی فرهنگ مصرف‌گرایی، تحلیل بخش کشاورزی و از بین بردن فرهنگ خود اتکایی و رواج ظواهر شهرنشینی در همه‌ی زمینه‌ها شدند. بنابراین لزوم توجه به سایر پیامدهای ناشی از روابط نامتعادل شهر و روستا بر کسی پوشیده نیست. در این راستا، ویژگی مناسبات شهر و روستا در سراسر کشور قابل مشاهده است. به طور مثال، در شهرستان تفت، رابطه شهر و روستا در چهارچوب روابط شهر و روستا در سراسر کشور وجود دارد، به طوری که فروش مازاد محصولات مناطق روستایی در شهرهای تفت و یزد و تأمین کالاها و خدمات مورد احتیاج از این شهرها، مهم ترین عامل و نیروی ایجادکننده و شکل‌دهنده روابط و مناسبات بین مناطق روستایی و شهرهای یاد شده است.» (مؤمنی، ۱۳۶۰، ص ۳۳۰)

## کارکردهای تدارکاتی

برجسته ترین کارکرد تدارکاتی شهرها، نقش اداری - خدماتی است که برای ناحیه پیرامونی ایفای می نمایند.

همان طوری که در سرمایه گذاری های دولتی ذکر گردید، تمرکز سرمایه گذاری ها در کانون های شهری سبب گسترش کارکردهای اداری - خدماتی این کانون ها گردیده است. در این راستا بررسی هایی در ارتباط با ارتقای جایگاه کانون های شهری توسط دولت انجام داده است. او در این بررسی ذکر کرده است:

«توسعه نظام دیوان سالاری جدید و عملکرد اقتصادی آن از طریق پرداخت حقوق کارمندان دولت یا اجرای طرحهای عمرانی، بازتاب وسیع و چشم گیری در حیات اقتصادی و اجتماعی شهرها و یا نواحی که طرح های عمرانی در آن ها اجرا می شود، پیدا کرد. در چنین شرایطی در کنار عناصر شهری قدیمی که از طریق تجارت با روستاها و یا دریافت بهره های مالکانه، انباشت سرمایه در شهرها را فراهم می کردند، عنصر جدیدی به نام دولت در عرصه اقتصادی شهر وارد میدان شد که با پرداخت حقوق کارمندان، ساخت فضاهای عمومی، آموزشی، بهداشتی، اداری و پرداخت هزینه های تأسیسات و تجهیزات زیربنایی، به ویژه در شهرها، پیوسته با تزریق سرمایه در آن ها، حیات اقتصادی شهرها را تغذیه و فعال می کرد. به همین دلیل در دوره جدید قشر نوپایی از مصرف کننده و عرضه کننده کالاهای تجاری در شهرها پا به عرصه وجود می گذارند که منبع تأمین کننده قدرت خرید و امکانات مالی آن ها با زنجیره ای منظم به اقتصاد دولت پیوند می خورد. در شهرهایی که سازمان های دولتی و اجرایی در آن ها حضور فعال تری دارند و یا در شهرهای صنعتی - معدنی که کارمندان در آن ها زندگی می کنند، از رونق ویژه ای برخوردار است. سرمایه فراوانی بدین طریق از مجرای دولت به اقتصاد شهری بسیاری از شهرها تزریق می شود.» (رهنمایی، ۱۳۷۳، صص ۲۴-۲۳)

بنابراین با توجه به تمرکز امکانات اداری و خدماتی در شهرها، این کانون ها، نقش تدارکاتی برای حوزه پیرامونی دارند و با توجه به نقش برجسته این کانون ها در ارائه خدمات گوناگون به کانون های روستایی باعث انتقال سرمایه های روستایی به شهرها گردیده اند. زیرا روستائیان ناگزیر از بهره مندی این امکانات بوده و ارزش افزوده سرمایه گذاری تولیدی خویش را در شهر صرف می نمایند که این نقش شهرها سبب شکل گیری جریان سرمایه از کانون های روستایی به شهرها شده است. در این راستا از دیدگاه «مؤمنی» عواملی که به عنوان کنشگران سبب گسترش نقش شهر تدارکاتی شهر می شوند، عبارتند از:

## بازیگران شهری

«مردم ساکن و شاغل در شهر، بنگاه های خصوصی و عمومی و دستگاه اداری شهر، مدیران بنگاه ها و سیاست مداران محلی، گروه ها و اتحادیه، به طور کلی. کارگزاران خصوصی و عمومی بازیگران یک شهر هستند، تصمیمات و فعالیت های آنان عمدتاً توسعه شهری را تحت نفوذ قرار می دهد. نیروهای فردی و جمعی عاملی در درون سیستم شهر را می توان در سه دسته خلاصه کرد:

## خانوارهای خصوصی

۱. به صورت عرضه کنندگان نیروی کار و سایر عواملی که جهت کسب درآمد مناسب هستند.
  ۲. به صورت مصرف کنندگان کالاها و خدمات خصوصی و عمومی.
  ۳. به صورت انتخاب کنندگان که در فواصل زمانی منظم دوباره ابقاء یا جایگزینی سیاست مداران محلی به کار تصمیم می گیرند.
- این افراد بیشترین تأثیر را بر جریان سرمایه دارند؛ زیرا به صورت فردی با توجه به قدرت و میزان اعتبار فردی که از میزان سرمایه ناشی می گردد، بیشترین تأثیر را در جریان سرمایه از طریق مالکیت های فردی و انتقال بهره ای مالکانه به کانون های شهری دارند.

## بنگاههای خصوصی

- ویژگی های سنخی فعالیت آن ها عبارت است از:
- ۱- تقاضا جهت عوامل تولیدی (زمین، نیروی انسانی، سرمایه های مالی، وسایل تولید، مواد تولیدی و تأسیسات زیربنایی)؛
  - ۲- تولید کالاها و انجام خدمات؛
  - ۳- تحت تأثیر قرار دادن تصمیمات سیاسی محلی.
  - ۴- ارگان های شهری: شامل کلیه بازیگران عمومی نظیر شهردار شهر، سیاست مداران محلی، دستگاه اداری شهر، بنگاه های دولتی شهری می باشد. وظایف اصلی آن ها عبارتند از:
    - ۱- مرجع هماهنگ کننده و هدایت گر تصمیمات اقتصادی بخش خصوصی؛
    - ۲- تولیدکننده کالاها و خدمات عمومی (کانون های اجتماعی) برای خیر همگان بیش تر بطور رایگان؛
    - ۳- تقاضا برای عوامل تولید.

نحوه رفتار بازیگران شهری بر اساس صورت پیدای تلاش برای سودافزایی یا افزایش فایده دانست. مشخصه اصلی روابط بین بازیگران بطور بسیار کلی در آن است که هر دسته منافع خاص خود را دنبال می‌کند؛ اما تأمین و به کرسی نشاندن این اهداف تنها با نیرو و قدرت تمام و کمال هر یک از دسته‌های بازیگر متصور نیست، بلکه تحقق آن اهداف به نحوی بستگی به سایر بازیگران دارد.» (مؤمنی، مصطفی، ۱۳۸۰، صص ۱۱۹-۱۱۷)

در نتیجه با عملکرد بازیگران شهری که به صورت تفصیلی در قالب نقش تدارکاتی شهر ذکر گردیده است، منابع سرمایه‌ای کانون های روستایی برای کسب ارزش افزوده و یا بهره‌وری از خدمات اداری ویژه آن ها به شهرها انتقال می‌یابد تا در این کانون ها در مراکز خدماتی و اداری صرف گردد. بنابراین این بازیگران در راستای منافع شخصی خویش، سرمایه‌های روستائیان را از حوزه‌های پیرامونی جذب می‌نمایند و سبب گسترش دامنه قدرت و نفوذ شهرها می‌شوند. این جریان نابرابر سرمایه بر اساس منافع این افراد و سازمان ها تداوم دارد. این رابطه بر مبنای نظریه کانون های سلطه بوبک شکل می‌گیرد که جذب سرمایه‌های پیرامونی را به شهرها به همراه دارد، در نتیجه ناحیه روستایی با یک روند تخلیه سرمایه مواجه می‌شود، به طوری که نقش تدارکاتی شهرها، جریان های سرمایه را با توجه به کارکردهای ویژه آن ها به شهرها هدایت می‌کند.

### مرکز انباشت و جذب سرمایه

کانون های شهری بر اساس بررسی پژوهش گران در کشورهای در حال توسعه به عنوان محل تجمع و انباشت سرمایه مطرح گردیده‌اند. زیرا بر اساس روندهای اقتصادی مبتنی بر صرفه‌جویی‌های مقیاس، سرمایه در کانون هایی رشد و گسترش می‌یابد که امکان کسب ارزش افزوده و رانت در آن امکان‌پذیر باشد. این کانون ها به عنوان محل فعالیت اقتصادی و کسب رانت‌های مسکن و بانکی، ارزش افزوده خاصی برای سرمایه پدید می‌آورد. بنابراین سرمایه به عنوان یک عامل تولید به این مراکز جذب می‌گردد.

با توجه به بررسی‌های اهلرس، کانون های روستایی وابستگی زیادی به سکونتگاه های شهری دارند، به طوری که این رابطه یک رابطه انگلی است که در چهارچوب آن مازاد و ارزش افزوده سرمایه به کانون های شهری انتقال می‌یابد. در بررسی دزفول اهلرس در ارتباط با کانون های تمرکز سرمایه و ساز و کارهای آن مطالعاتی انجام داده است. بر اساس مطالعات او

ویژگی های روابط شهر و روستا در کشورهای شرقی بر تمرکز کالا و جریان آن تأثیر می‌گذارد. او در این راستا ذکر می‌نماید:

«فقدان سرمایه، کمبود تسهیلات و وابستگی‌های سنتی مانع پدیدار شدن اقتصادی مستقل و پر رونق و در نهایت تمرکز ثروت و کالا در عرصه‌های روستایی می‌شود. زیرا تمرکز داد و ستد واحدهای کارگاهی و تقریباً هر گونه خدمات عمومی دیگر در مراکز شهری، در کنار ساختار تک بعدی اقتصاد روستایی، موجب پدیداری ساختار اجتماعی تک بعدی در عرصه روستا می‌گردد.» (اهلرس، ۱۳۸۰، ص ۲۶۴)

بنابراین عدم تمرکز و جذب سرمایه در محیط‌های روستایی بر اساس نظام اجتماعی - اقتصادی ناحیه صورت می‌گیرد که بر اساس سیاستگذاری‌ها و منافع اقتصادی سرمایه‌داران سبب تمرکز سرمایه در شهرها می‌گردد.

سرمایه‌گذاری‌های دولتی یکی از عواملی بوده است که نقش و جایگاه کانون های شهری در سلسله مراتب سکونتگاهی ارتقاء داده است، به طوری که تمرکز سرمایه‌گذاری‌ها در شهرها با مبنای ایجاد و گسترش خدمات از پیامدهای این رویکرد است که تأثیرات بسیاری بر حوزه‌های روستایی پیرامونی داشته است.

بهرام بیگی از جمله محققانی است که در باره‌ی نقش مادرشهر تهران در زمینه‌ی حوزه‌ی پیرامونی مطالعاتی انجام داده است. از دیدگاه او، جهت‌دهی سرمایه‌گذاری‌های کلان به مادرشهرها از عوامل تأثیرگذار بر جریان سرمایه و مردم از پیرامون به شهر بوده که سبب جذب سرمایه به شهرها گردیده است. او در ارتباط با نقش شهر تهران در حومه پیرامونی می‌نویسد:

« از اوایل سال های دهه ۳۰ به بعد، برنامه‌های عمرانی شروع به ثمر دادن می‌نماید و درآمد ناشی از نفت در جهت آبادی کشور مخصوصاً در تهران جلوه بیش تری می‌یابد. در همین سال ها است که امکانات فزاینده شغلی، آموزشی، درمانی و بسیاری از عوامل دیگر باعث جذب سریع مهاجرین از تمامی مملکت به طرف تهران شد که خود موجب افزایش فراوان جمعیت تهران گردید.

بعد از تحولات همه جانبه‌ای که از اوایل سال های دهه ۴۰ در تمامی مملکت ظاهر گردید، صنعت‌گرایی و افزایش روند شهرنشینی از ویژگی های مشخص ایران گردید.

سرمایه‌گذاری‌های کلان در ایجاد تأسیسات صنعتی که بیش تر توسط بخش خصوصی انجام می‌شد، با تشویق و حمایت دولت صورت گرفت. توجه بیش تر از حد دولت به این امر که از خلال هدف های عمرانی برنامه چهارم پیدا بود، منجر به تمرکز شدید مراکز صنعتی در شهر



و حومه‌ی آن‌ها گردید. این توسعه‌ی صنعتی بسیار سریع‌تر از آنچه که در بخش کشاورزی به وقوع پیوست، مشاهده گردید. در عین حال، افزایش درآمد سرانه، بهبود وضع عمومی و تحولات زیربنایی در امر نظام اجتماعی عواملی بودند که ضمن ارتقای بیش تر سطح زندگی در شهرها، آن‌ها را به صورت مراکز اصلی مهاجرپذیری در آورد.» (بهرام بیگی، ۱۳۵۵، ص ۳۷)

### مراکز تصمیم‌سازی

شهرها به عنوان مراکز تصمیم‌سازی در ارتباط با نواحی روستایی مطرح هستند. تصمیم‌گیری در مراکز اداره بر نحوه سرمایه‌گذاری‌ها و برنامه و طرح‌های مربوطه تأثیرگذار است. این تصمیم‌گیری‌ها جریان‌های فضایی را متأثر می‌نماید و در دامنه و حجم آن‌ها دخالت دارد. نحوه و نوع تصمیم‌گیری‌های کلان و ناحیه‌ای از عوامل تأثیرگذار است که نسبت به سایر عوامل به عنوان ساز و کار پنهان در جریان‌ها نقش دارد.

داگلاس یکی از پژوهشگران ناحیه‌ای در ارتباط با نقش شهرها به عنوان مراکز تصمیم‌سازی، بررسی‌های زیادی انجام داده است. از دیدگاه او این تصمیم‌گیری‌ها باید در جهت ارتقاء و گسترش ویژگی‌های محلی باشد. او در این راستا ابراز نموده است:

« بسیاری از تصمیمات درباره سرنوشت نواحی روستایی بین دولت و دست‌اندرکاران اقتصادی در مراکز شهری صورت می‌گیرد، به طوری که توجه به عوامل محلی دیرینه و وسایل معیشت در نواحی روستایی ناچیز بوده است. بنابراین برای توسعه نواحی روستایی ضروری به نظر می‌رسد که تعادلی در تبادلات جهانی برای حمایت از توسعه و تقویت ظرفیت تولید محلی صورت گیرد. این روند در مورد نیروی کار، پژوهش و توسعه تکنولوژی، اعطای وام برای گسترش پیوندهای پسین و پیشین مصداق می‌یابد. نواحی روستایی در چند محصول خاص تخصص می‌یابند و بخش‌های جایگزین برای چرخش فعالیت در زمانی که قیمت‌های جهانی سقوط می‌کند، ندارند.

در نتیجه، سیاست‌های بلند مدت باید چرخه‌های پایدار تولید و باز تولید سرمایه‌گذاری محلی ایجاد نماید که حاصل آن فرصت‌های شغلی و ارتقای درآمد و شرایط زندگی در ناحیه باشد.» (Douglass, 2000, P: 33).

## شاخص های مهاجرت های ناحیه ای :

جمعیت یکی از شاخص هایی است که در ایجاد جریان های جمعیتی نقش ویژه ای دارد. پیوندهای فضایی بر اساس عامل جمعیت شکل می گیرند. این عامل در ایجاد بسیاری از جریان های جمعیتی بین روستا و شهر دخالت دارد. زیرا روندهای مختلف اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی بر این جریان ها تأثیرگذار است، به صورتی که ماهیت و دامنه این جریان ها وابسته به این روندها است. در این راستا، مهاجرت یکی از روندهای جمعیتی مهم به شمار می رود که در نواحی روستایی مطرح گردیده است: «مهاجرت از روستاها به شهرها از ویژگی های عمده شهرگرایی در کشورهای در حال توسعه و یکی از راه حل های خانوارهای روستایی فقیر برای افزایش درآمد و مقابله با گسترش فقر است. گرایش حاکم اعضاء خانوار روستایی این است که نیروی کاری خویش را بفروشند و درآمدشان را برای اعضای خانوار ساکن در روستا بفرستند.

مهاجرت یک جریان یک سویه از مردم نیست: «آن قسمتی از راهبرد پویای انطباق محیطی است که اجازه می دهد خانوارهای فقیر به منابع نواحی شهری دسترسی یابند و بتوانند زندگی بهتری برای نسل های آینده بسازند.» (UNDP, 2000, pp: 13-14).

این روندها در سطوح مختلفی تأثیرگذار هستند. سطوح مختلفی محلی، ناحیه ای و ملی و بین المللی جریان های جمعیتی را شکل می دهند. در کشورهای در حال توسعه با توجه به تمرکز اداری - اقتصادی در شهرها، این جریان ها از کانون های شهری متأثر می گردند.

## عوامل اقتصادی :

تاکولی<sup>۱</sup> درباره ی نقش شهرها اعتقاد دارد: «مهاجرت از روستاها به شهر در جایی که رشد اقتصادی بالا است، با سرعت زیادی جریان دارد. به صورتی که مهاجران گرایش به حرکت به مکان هایی دارند که فرصت های اشتغال وجود دارد. بطور مثال، مراکز شهری ثانویه<sup>۲</sup>، به خصوص در آمریکای لاتین، اخیراً سرمایه گذاری ها و صناعی را جذب کرده اند که قبلاً به شهرهای بزرگ سوق داده می شد، در نتیجه نقش آن ها به عنوان مقصد مهاجرت افزایش یافته است (Tacoli, 2003, P: 5).

1- Tacoli

2- Secondary urban centers

هم چنین او به نقل از آدیسون<sup>۱</sup> و دمیری (۱۹۸۹) درباره عوامل اجتماعی - اقتصادی تأثیرگذار می‌نویسد: «عوامل اجتماعی - اقتصادی از قبیل انتظار به کسب درآمد بهتر و فرصت‌های شغلی و برنامه‌های توسعه‌ی شهری، اغلب انگیزه‌های افراد فقیر روستایی برای حرکت به شهرها را تشکیل می‌دهد. در میان روستائیان فقیر مهاجرت توسط افراد جوان بیش‌تر از سایر گروه‌های سنی رواج دارد. علاوه بر فرصت‌های شغلی و دستمزدی، عوامل جاذب حرکات جمعیتی: تسهیلات و امکانات شهرها و عوامل دافع: تمایز از چرخه فامیلی و وابستگی‌های اجتماعی در کار کشاورزی هستند. (Jegasothy, 1999, P: 32).

تاکولی در پژوهش‌های خویش، انگیزه‌های مهاجرت را بررسی کرده است. او در مطالعات ناحیه‌ای خود در آفریقا انگیزه‌های مختلفی را برای مهاجرت ذکر کرده است. علاوه بر انگیزه‌های اقتصادی که مهم‌ترین علت مهاجرت را تشکیل می‌دهد، از نظر او انگیزه‌های اجتماعی - اقتصادی نیز در گسترش مهاجرت‌ها دخالت داشته است. به طوری که جوانان معیارهایی از قبیل: آزادی، کسب تجربیات جدید را در انتخاب مهاجرت مد نظر قرار می‌دهند. مقاصد و جهت مهاجرت‌ها از زمینه‌های مورد علاقه‌ی او در بررسی‌هایش است. به طوری که او جریان‌ها را به صورت جریان‌های یک سویه ذکر کرده است. نتایج او در ارتباط با جهت جریان‌ها بیانگر کانون و انگیزه‌های تأثیرگذار بر آن‌ها است. او در این ارتباط ذکر می‌کند:

«مهاجرت یک عامل کلیدی در شکل‌گیری الگوهای سکونتگاهی و معیشتی آفریقا محسوب می‌گردد. همچنین یک کنش متقابل بین سکونتگاه‌های روستایی و شهری و بین سکونتگاه‌های روستایی در این سه کشور است. در نمونه‌های مورد بررسی، بین ۵۰ و ۸۰ درصد از خانوارها حداقل یک عضو مهاجرت کرده دارند. ثروت خانوار این روند را متأثر نمی‌سازد؛ زیرا در حالی که انگیزه‌های اقتصادی دلیل اصلی جابه‌جایی است؛ ولی تمایل به گسترش تجربیات شخصی و برای نسل‌های جوان، فرار از اجبارها و کنترل افراد پیر با این دلایل همپوشانی می‌کنند. در جنوب شرقی نیجریه، مهاجرت برای دستیابی به موفقیت‌های اجتماعی - اقتصادی ضروری شناخته شده است و جوانان که مهاجرت یا جابه‌جایی روزانه به شهرها ندارند، اغلب به عنوان بیکار در نظر گرفته می‌شوند و مورد تمسخر دیگران واقع می‌شوند. به هر حال، در حالی که حرکت از روستا به روستا به صورت گسترده‌ای توسط گروه‌های

<sup>3</sup>- Addison

فقیر انجام می‌پذیرد، مراکز شهری کوچک و بزرگ اغلب به صورت فصلی، مقاصد مهمی برای کل مهاجران است.» (Tacoli, 2003, P: 19-20).

همان طور که ذکر گردید، او در بررسی خویش مقاصد مهاجرت ها را مراکز شهری کوچک و بزرگ ذکر کرده است، به طوری که روند مهاجرت با توجه به انگیزه‌های اقتصادی به صورت یک سویه شکل گرفته است و شهر با توجه به ویژگیهای متفاوت از محیط روستا به عنوان یک مقصد جاذب برای جمعیت روستایی محسوب می‌گردد. امکانات نامناسب، تضادهای اجتماعی اقشار سنی روستا در برابر امکانات مناسب و آزادی اجتماعی شهرها از عوامل شکل‌گیری مهاجرت است.

### زیرساخت ها و امکانات زیربنایی :

در این راستا، پژوهشگران «دی. اف. آی. دی» بررسی‌هایی را در کشور نیجریه انجام داده‌اند. آن‌ها در این کشور توسعه روستایی و شهری را بررسی نموده‌اند. به منظور دستیابی به روند توسعه، نارسایی‌های مختلف بررسی گردیده است که آن‌ها در این رابطه بر روند مهاجرت و عوامل مؤثر در شکل‌گیری آن تأکید نموده‌اند. از نظر آن‌ها تفاوت‌های مزد و فرصت‌های محدود روستایی در مهاجرت نقش قاطعی دارد، به صورتی که در مطالعه خویش ذکر کرده‌اند:

«تفاوت‌های دست‌مزدی به طور کامل تبیین‌کننده دلایل مهاجرت به نواحی شهری نیست. عامل مهم دیگر که منجر به مهاجرت روستایی - شهری می‌گردد، غفلت از زیرساخت‌ها در نواحی روستایی است. بسیاری از مردم به نواحی شهری برای فرصت‌های آموزشی یا اقتصادی بهتر حرکت کرده‌اند. علت این حرکتها، فقدان بازارها، امکانات حمل و نقل مناسب، مدارس و امکانات بهداشتی است. به طوری که مشکلات در نواحی کشاورزی، شامل کمبود زمین، کاهش اراضی کشاورزی، برداشت خرمن ضعیف و فرسایش خاک است که مهاجرت روستایی - شهری را توضیح می‌دهد.» (DFID, 2004, P: 2).

«تا زمانی که روستاها و شهرک‌های کوچک و متوسط ایران فاقد امکانات اقتصادی و خدماتی باشند و نتوانند برای ساکنان خود شغل ایجادکننده مهاجرت همچنان به شهرهای بزرگ ادامه دارد و چون این مهاجران، کم‌سواد یا بی‌سواد و غیر ماهر هستند، نمی‌توانند جذب اقتصاد رسمی شهرها بشوند و در مشاغل اتفاقی جذب شده و به دلیل کمی درآمد از طرفی و گران بودن نرخ زمین و مسکن از طرف دیگر قادر نخواهند بود که مسکن مورد نیاز خود را از بازار رسمی مسکن تأمین کنند، از این رو جذب نقاط سکونت بی‌ضابطه شده و این نقاط

توسعه می‌یابند و در نهایت دولت مجبور به پذیرفتن آن‌ها و تبدیل بودن این نقاط، ثمر می‌شود. از آنجا که منشأ شکل‌گیری و توسعه‌ی این شهرها نه به دلیل انباشت سرمایه فعال شهری، بلکه به علت پناه‌جویی افرادی است که به دلیل نداشتن شغل یا کم درآمدی از روستاها و شهرهای کوچک مهاجرت کرده‌اند، بدون برنامه و ابزار لازم برای هدایت و کنترل به وجود آمده‌اند و بسیاری از آن‌ها هویت و کارکرد مشخصی چون نظامی، فرهنگی، صنعتی، کشاورزی، ندارند. این در حالی است که به مرور با جذب خدمات و امکانات زیستی بدن به مجموعه‌های سکونت گاهی بالنسبه مستقلى می‌شوند که در جذب خدمات مازاد کلان شهر با شهرهای دیگر منطقه، رقابت می‌کنند. این گسترش بی‌رویه مواجه با مسائل و مشکلات فراوان کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در منطقه کلان شهری است.» (شاه حسینی، ۱۳۸۳، ص ۱۱).

بنابراین تسهیلات و امکانات محدود در نواحی روستایی از عوامل مهاجرت به شمار می‌رود. به طوری که بدون برخی از امکانات، زندگی در روستا بسیار دشوار می‌گردد.

## راهکارها:

«بنابراین برای جلوگیری یا تضعیف فرایند خودجوش رشد مناطق هسته‌ای (پدیده خورندگی شهر)، لازم است که سیاست عدم تمرکز اتخاذ شود. این امر مستلزم آن است که نه تنها مقدار زیادی سرمایه‌گذاری در مناطق پیرامونی انجام شود، بلکه معیار عدم تمرکز، در فرآیند تصمیم‌گیری سیاسی و برنامه‌ریزی اعمال شود که به ویژه در برنامه‌ریزی، امکان انتخاب رهیافت پایین به بالا را در پی خواهد داشت.» (مهندسان مشاور DHV، ۱۳۷۱، ص ۵۰).

مهندسان مشاور DHV پیشنهاد می‌نمایند که در سیاست‌گذاری‌ها، سرمایه‌گذاری به نواحی پیرامونی سوق داده شود تا از گسترش بی‌رویه شهری و مشکلات زمین حاشیه مادرشهرها کاسته گردد. البته این سرمایه‌گذاری باید در جهت ایجاد خدمات مورد نیاز و نیز گسترش فعالیت‌های تولیدی باشد که از اتکای بیش از حد نواحی روستایی به سکونت‌گاه‌های شهری کاسته گردد.

## نتیجه‌گیری:

کلان شهرها در ابعاد مختلفی بر نواحی پیرامونی تأثیر گذار هستند. دامنه و ابعاد تأثیر گذاری متأثر از نقش و کارکردهای مختلفی است که این کانون‌ها دارا هستند. تراکم جمعیتی و تمرکز فعالیت‌های بخش‌های صنعت و خدمات از عواملی است که باعث جذب جمعیت از

نواحی پیرامون می گردد و به صورتی جریان های مهاجرتی به صورت قطبی به سمت کلان شهرها جریان می یابد. این مسأله باعث کنار زدن شهرهای درجه دو و افزایش نقش این کانون ها خواهد گردید. زیرا جریان های جمعیتی باعث ایجاد جریان های مختلف سرمایه و تولیدات کشاورزی نیز خواهند گردید که برخاسته از اهمیت کلان شهرها در ناحیه می باشد. آنچه که در این پژوهش مطرح است در اصل این نکته را بیان می کند که کلان شهرها در معرض جریانات تهدید کننده متعدد قرار دارند و این در حالت کشوری مانند ایران با کلان شهرهای جمعیتی خود ( و نه خدماتی) چگونه آینده ی خواهند داشت. تعدد در شیوه های برنامه ریزی و مراکز تصمیم گیرنده در کشورهای در حال توسعه، چه در چارچوب کلان شهرها و چه در هر گونه سکونتگاه در مقیاس های گوناگون از دیگر مواردی است که در معضل شناسی توسعه کلان شهرها در جهان و ایران مشاهده می شود. تقسیمات سیاسی نسنجیده که مبنای شکل گیری سکونتگاه های کوچک و بزرگ است و نبود تعریف از شهر و روستا و کلان شهر و حریم تعریف شده، قابل مشاهده است. قابل ذکر است که چاره اندیشی ها و طرح های انجام شده برای سامان دهی و تنظیم نظام شهرهای بزرگ از طرف تشکیلات دولتی و برنامه ریزان غیر دولتی نیز تا کنون جواب گوی آنچه که به آن ها اشاره شده نیز نبوده است. به نظر می رسد معضل در روابط دو سویه شهر و روستا در ایران و جهان است.

Archive

## منابع و مأخذ:

- ۱- اهلرس، ا. ۱۳۸۰. ایران، شهر، روستا، عشایر، ترجمه: عباس سعیدی، نشر منشی، تهران.
- ۲- بهرام بیگی، ه. ۱۳۵۵. کرج و شهرک های اقماری آن، مجله انجمن جغرافیدانان ایران.
- ۳- رهنمایی، م ت. ۱۳۷۳. دولت و شهرنشینی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۳۲.
- ۴- شاه حسینی، پ. ۱۳۸۲. تبیین فرآیند شکل گیری و ناهنجاری های کالبدی- اقتصادی سکونتگاه های خودرو پیرامون کلان شهر تهران، استاد راهنما: محمد تقی رهنمایی، دانشگاه تهران.
- ۵- فریدمن، ج. داگلاس، م. ۱۳۶۳. توسعه روستا شهری به سوی راهبرد جدید برنامه ریزی منطقه ای در آسیا، ترجمه: عزیز کیاوند، سازمان مدیریت و برنامه ریزی، تهران.
- ۶- مومنی، م. ۱۳۶۰. شهرستان تفت، طرح پژوهشی، دفتر فنی جهاد دانشگاهی دانشگاه ملی.
- ۷- ———. ۱۳۸۰. جغرافیای جهان بینی، طرح درسی.
- ۸- مهندسان مشاور D.H.V. ۱۳۷۱. رهنمودهایی برای برنامه ریزی مراکز روستایی، ترجمه: جواد میر و دیگران، جلد اول، جهاد سازندگی، مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی، تهران.
9. Douglass, Mike. 1998. A regional Networkd Strategy for Reciprocal Rural-Urban Linkages: An Agenda for Policy Research with Refrence to Indonesia, Third World Planning Review, Vol 20, No 1.
10. Feldman, Shelley. 1999. Rural-Urban Linkages in South Asia: Contemporary Themes, and Policy Directions.
11. UNDP, Migration in third world, UK.
12. Tacoli (2003) Changing Rural – Urban Linkages in Mali, Nigeria and Tanzania, Environment and Urbanization, VOL 10, NO 1, April 1998.
13. Jegasothy, K. 1999. Population and Rural –Urban Relationship, Journal of Social Economics, vol 26, NO 7, MCB University Press.
14. Douglass, Mike. 2000. Vietnam, In to Future : Urban Transition, UNDP.
15. DFID. 2004. Rural and Urban Development, Case study: Nigeria, Oxford Policy Management.